

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۱ جولای ۲۰۱۳

فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت افغانستان!

۲۳



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیسیم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

«انجنیر» صادق ظفر جاسوس خود فروش و نقاب های "صادقانه" وی:

بار ها متذکر شده ام که «انجنیر» صادق ظفر مفعول پر آوازه جاغوری، دزد، خادیسیت، انجوتیسیت، هزاره ایست، چنگیزیسیت، همدم و همراز اسد الله کشتمد، خم چشم دیده پاره و کثیفترین و بی ناموسترین مرده گاو زنا زاده و حرامزاده و بی آبرو در رول های مختلفی در آمده و چنان وانمود می سازد که سیاهی لشکر در عقبش ایستاده است و از «احکام» وی فرمانبرداری می کنند. ما می دانیم وظیفه ای را که از جانب بادار امپریالیستی برای این مفعول جاسوس و بی غیرت سگ زاده و سگ صفت سپرده شده است از طریق اینترنت و از اطاق خواب به همکاری خانم عاشق و شیفته ایران آخوند زده اش و چند تا ایرانی لنده ها و همبستر های شان، نقاب ها و ماسک های مختلفی را بر رخ زردش می کشد و در رول های کثیری بازی می کند تا به هر شکل و نیرنگی «کارآمد» ضربات مهلک بر پیکر

زخمی «شعله جاوید» و جنبش انقلابی وارد آورده و به مثابه جاده صافکن «حزب دموکراتیک خلق- شاخه کشتمند» برای هزارمین بار بر مرقد نا مظهر رفتگانش بالاخص چنگیز، هلاکو و چغتای و جد و اجدادش بشا شد. کوشش می کنم درین مختصر بتوانم چهره اصلی «صادق ظفر» مفعول و رول هائی را که تحت عناوین و نامهای مختلفی بازی می کند برای مردم و جنبش انقلابی معرفی دارم. گر چه فعلاً ماهیت پلید و عملکرد های ننگین گذشته و حال این میکروب اجتماعی و این مفعول عقده ئی و بیمار روانی توسط رفیق گرانمایه و انقلابی حرفه ئی و نویسنده توانا گرانقدر «موسوی» و این قلم افشاء و رسوا گشته است و بسیاری مردم و اعضای جریان شعله و جنبش انقلابی، وی و دو سه تا همپاله های دلال و مرده گاوش را به شمول «داکتر» خلقی و اپورتونیست حقیر غفور ثنا-سنا و سناچ، و «پس» سازائی که دلال مرده گاو خانه انترنیتی به اسم «سازمان کارگران م.ل.م» باز نموده است به خوبی می شناسند و اما باز هم به این افشاءگری بسنده نکرده تا زمانی ادامه خواهم داد تا تابوت شان را به دوش کشیده و تا قبرستان تاریک و نمناک همراهی کنم.

یک مسأله مهمی که قابل یاد آوری می باشد اینست که حالا مردم و منسوبین جریان شعله و جنبش انقلابی، از تعلقات سیاسی، قومی و اجتماعی هزاره ایست های چنگیزیست به کلی آگاهی حاصل نموده اند و می دانند که این قماش مفعولان، روسپیان سیاسی و مرده گاو روز گاران هیچ گونه و هیچ نوع تعلقات پارینه شعله ئی نداشته و در جنبش انقلابی ضد روسی هرگز اشتراک نورزیده و مهره های شوت شده (خاد) در داخل جنبش انقلابی به خاطر ضربه زدن جنبش ملی و انقلابی بودند. بعد از ضربه خوردن (ساما) توسط روسها و احزاب مرتجع و وطنفروش اخوانی همچو «حزب اسلامی و جمعیت اسلامی» صادق ظفر و «حسین جاسوس» در پوشش «بخش غرجستان-ساما» سلاح ها و مهمات (ساما) را دزدیده و در پاکستان بفروش رسانیدند و اسناد های محرمانه (ساما) را در دسترس استخبارات پاکستان آ.ی. اس. آی. قرار دادند. ننگ بر این نطفه های کثیف تیموجن و پیروان «صدر» اپورتونیستان، رویونیستان و تسلیم طلبان و تجزیه طلبان.

«انجنیر» صادق ظفر که فعلاً با خانواده اش در «هالند» اقامت دارد، به صورت مستقیم دستش به خون یک تن از مبارزان «بخش غرجستان-ساما» به نام «نصر الله» رنگین است. من از فامیل شهید گمنام و رفقای همزمش و کادر ها و رهبران (ساما) در هر کجائی که هستند با فروتنی و تواضع یک انقلابی تمنا و استدعا می کنم که هر گونه اسناد و شواهد عینی را که در مورد شهادت «شهید نصرالله» در دسترس و در اختیار دارند، در اختیارم بگذارند تا در حالت فعلی و تا محکمه اش توسط (ساما)، این مفعول قاتل یعنی «انجنیر» صادق ظفر چقر را در محکمه جنایتکاران جنگی جهت محاکمه بکشانم.

یک نکته مهم را باید تصریح و مشخص بسازم که «انجنیر» صادق ظفر، «داکتر» غف و سازائی کثیف «پس» و..... چند تا دزد و بی هدفی که این سگان هار بی عار را همراهی می دارند و منحیث راهبر و رهبر در حالت خمار پذیرفته اند باید بدانند که محکوم تاریخ اند. چه امروز و چه فردا در هر کجائی و در هر سوراخی که پنهان باشند و از طریق هر مرجع تغذیه و اباطه و اعاشه می شوند، از محکمه انقلابی خلق در امان نبوده و محاکمه شده و اشد مجازات و جزاء برای شان تعیین خواهد شد. یک نکته ژرف را نباید فراموش کرد که این دزدان «جریان دموکراسی نوین- شعله جاوید»، «سوم عقرب» و افتخارات جنبش ملی و انقلابی دیگر نمی توانند با این نوع بی ناموسی و دیده درائی افتخارات و حماسه های تاریخی «جریان دموکراسی نوین-شعله جاوید»، «سوم عقرب» و افتخارات جنبش ملی و انقلابی را دزدیده و به گروگان بگیرند زیرا مردم و انقلابیون حالا به ماهیت پلید شان پی برده اند.

اقلیت های ملی جزء فامیل (افغان) اند و این یک اصل انکار ناپذیر است و اما در سرنوشت کشور و آینده ای کشور، اکثریت مطلق مردم مشتمل بر تمام اقوام و ملیت ها تصمیم می گیرند نه یک باند کثیف، جاسوس و وطنفروش زیر نام

این و یا آن قوم و یا ملیت. پیام و نوید بهار «مائوئیزم» رجزخوانی و بی شرافتی پیش این ضمیر باختگان شاید نبوده زیرا این سگان بویناک و انگشت شمار هالند نشین نه تنها از پایگاه توده ئی و اجتماعی برخوردار نیستند بلکه از داشتن یک جبهه کوچک دو نفره حتا در جاغوری نیز محروم اند؛ زیرا مردم جاغوری نیز از این مفعولان لافوک نفرت عمیق دارند و اگر چنان نمی بود واقعاً فعالیت های و لو کوچک «مائویستهای» خادیست در محوطه جاغوری حتی محسوس می شد. اعلان جنگ خلق و انقلاب در مقطع کنونی و.... دروغ شاخدار جواسیسی از قماش حسین، صادق و غف و جف بوده و سرابی بیش نیست؛ «مائویستهای» خادیست با این طرز و نوع عوامفریبی عریان توأم با دیده درائی می خواهند از طریق این تاکتیک خادیستیک افتخارات «جنبش دموکراسی نوین» و جنبش انقلابی را بد نام و به خاکستر یأس مبدل سازند و اما خوشبختانه «موسوی و میرویس» این مادر خطا هائی حرامزاده را با پشتاره شان دستگیر و مشت آهنین بر فرق شان وارد ساخت و این دزدان و دغلبازان را برای مردم و انقلابیون معرفی داشت که این جرأت به ذاتش یکی از بهترین خدمات برای جنبش انقلابی می باشد.

اگر «شهید اکرم یاری» را هر قدر بالا بالا ببرند و بر کرسی عرش هم تکیه دهند باز هم نمی توانند و قادر نخواهد بود که در قلب اکثریتها جا باز نمایند، حتا در قلب ملیت شریف هزاره، زیرا ملیت شریف هزاره از «صدر» دربار زاده و بیروکرات تمام عیار که از درد و ورنج های بیکران اجتماعی شان در بی خبری مطلق قرار داشت و پدرش هم از جمله خوانین قهار، جبار و غدار و آستانبوس طلائی ها بود؛ شناختی نداشته و تنها و تنها «محمودیها» و دیگر فرزندان فرزانه مادر میهن را منحنیث رهبران «جریان دموکراسی نوین-شعله جاوید» می شناختند و می شناسند و شدیداً آرج می نهادند و حرمت می گذارند نه «شهید یاری» را؛ که «سمندر» با استفاده از نام فامیل «محمودی» بر «جریان دموکراسی نوین-شعله جاوید» بدون مسؤولیت انقلابی و تاریخی تحمیل کرد و فعلاً در مقابل دزدان و گرونگانگیران کثیف هزاره ایست و چنگیزیست «جریان دموکراسی نوین-شعله جاوید» سگوت مرگ اختیار کرده است؛ گر چه سایه مرگ هر آن تعقیبش می کند تا در کامش کشد.

این که کسانی هستند که از نام و اعتبار مبارزاتی مجید بزرگ تحت عناوین مختلف برای شان کسب هویت می کنند و شخصیت می خردند؛ باید بدانند که سخت در اشتباه اند و این را نیز بدانند که سکوت زبونه شان در مقابل اراجیف و باوه سرائی های هزار ایست های خادیست، انجونیست، جاسوس و وطفروش اشتباه نبوده بل که خیانت جیوانه ای است در قبال راه گلگون قهرمان قهرمانان و اسطوره اسطوره ها مجید جاویدان. (ساما) ی مجید پر آوازه و ستاره فروزان مقاومت و رهبر آزادگان جایگاه و تکیه گاه عناصر جیون و دامن آلوده نیست.

به هر صورت، این بازی را انجامی است و ما به موازات آن که به دشمنان مردم اجازه نمی دهیم تا گرد و غباری بر رخسار سرخ ساما بپاشند هرگز به افراد جیون و آلوده دامن نیز اجازه نخواهیم داد تا از نام و افتخارات (ساما) ی ابر مرد انقلابی، مجید کبیر استفاده های سیاسی کنند. ما به تمامی رفقای انقلابی داخل کشور گوشزد می کنیم که دیگر اجازه ندهند که عناصر خود فروخته و انجو باز به خاطر تأمین منافع خودشان، بر تاریخ ساما بشاشند.

(ساما) بیدار شو که مردمت برایت احتیاج و ضرورت مبرم دارد.

ای گرد پیشتاز مقاومت

ای ببر غران انقلاب

ای امید بینوایان

ای یار و رهرو «کلکانی»

بیدار شو، ایستاده شو

که دشمن در کمین نشسته است.

«انجنیر» پشت، صادق ظفر که خود یک زن ستیز بیمار روانی است و حالا خانم و دخترانش را نه تنها در شکار کردن شیر ژبان، میرویس مأمور ساخته است، همچنان بر زنان مبارز و مردان مبارز که عمر شان را در مبارزه گذرانیده اند از اطاق خوابش و از پشت کامپیوترش با دنانت و پستی می تازد و با الفاظ رکیک به استقبال شان می شتابد. اما این مفعول بیمار و جاسوس اوباش و مادر (قحبه) ی بیمار و پدر سگ جاهل نمی داند که روزی بهای جنایات، در یوزه گری و بی ناموسیهایش را خواهد پرداخت و این یک حقیقت است. اگر «انجنیر» پشت، صادق ظفر از یک شخصیت انسانی خوبی برخوردار می بود و به مقام والای زن ارزش قایل می بود و ارج می گذاشت هیچ گاهی زن و دخترانش را مورد استفاده های شخصی و سیاسی و اغراض شومش قرار نمی داد. «انجنیر» پشت، صادق ظفر زنش با همکاری دوستان و رفیقه های خماری و منقلی ایرانی اش هم ایمیل و هم سایتی به اسم باز کرده اند و هم عکس شیر را در «سایت» به نمایش گذاشته اند و هم در اطاق های خواب شان با نثار گلباران مزین ساخته اند چرا که طفلکان و بیچارگان در محرومیت قرار دارند و هم کمبودی یک مرد به تمام معنا را در زندگی های شان احساس می دارند!!! اما با اینهمه بی غیرتی ها و دون صفتی ها و مرده گاوی ها از انجام چنان کاری انکار می کند؛ زهی چشم سفیدی و زهی پست فطرتی!!!

«غف»، «پشت» و «پس»، «مائوئیزم» این دوکتورین خروسچف-کاسیکین و برژنف را که از صدوقچه اسرار «صدر های دروغین» توسط قالدینچه سلیمانی به هالند پرواز داده شده بود!! پس از مرگش در هالند کشف کردند و اکنون با این نوع دوسیه سازی ها و دسیسه سازی ها و پرو پاگند ها و ترور شخصیت ها می خواهند با چد نفر جیره خوار و جاسوس جانی ساخته و نوید بهاران «مائوئیسیم» یعنی عمدتاً «مائوئیسیم» را از طریق حرافی و باد خارج کردن از هالند بدهند!!

حالا «انجنیر» پشت، صادق ظفر را در نقش های مختلفی ببینید و بشناسید:

۱- «انجنیر» صادق ظفر چقر در رول «شورش»!

این مفعول مادر خطا و پدر ندیده و نهایت کله خام و جاهل و بی سواد که تا حال به زبان شیرین دری و املاء و انشای آن معلومات و دسترسی کافی ندارد و با زبان «دانشگاهی»، «دانش آموزی» و «دانشکده»ئی ایرانی گویا به مصاف ما می شتابد و به هر کس و جنبنده ای مهر بی سواد می زند. این خردجال کوچه گرد و سگ دور افتاده از کاروان همچنان با تأیید «اتحادیه نویسندگان حزب دمکراتیک خلق» و با پیروی از نوع ادبیات و نوشتار و طرز گرامر شان و تمجید شخصیت های شان به ضد ما نوشت و اما ما غلطی هایش را به رخ کشیدیم که با سکوت این مفعول بی لگام و جاسوس مینهنفروش و روباه حيله گر مواجه گشتیم!!!

«انجنیر» پشت، صادق ظفر، بعد از این که با یار غارش «حسین جاسوس» قهر و و ناز می کند و شکر رنجی بین شان به وجود می آید، با خانم ضد افغان مگر افغانستانی اش و دخترانش که از آزادی های «هالند» استفاد های اعظمی کرده و می کنند؛ توسط بادار (انجو)ئی اش به هالند انتقال داده می شوند. وی به خاطر رقابت با لنده ای شب و روزش «حسین جاسوس»، «شورش» را از ورای مجازی باز می کند تا زهر چشمی به «حسین جاسوس» نشان دهد، «حسین جاسوس» که از خیرات و مدد امپریالیستهای انجو باز (به مال و منال رسیده است و «حزب کمونیست مائوئیسیم» را (راجستر قانونی) نموده است؛ از دامان پر محبت امپریالیسم و به همکاری ارتجاع و امپریالیسم شعار «مائوئیسیم» و جنگ خلق را بدون ارتش انقلابی و بدون حضور داشت توده های میلیونی می دهد!!! «انجنیر» حسین جاسوس از «انجنیر» صادق ظفر مفعول به مثابه کاغذ تشناب استفاده نموده است و حالا بعد از دستیابی به مال و منال و ثروت هنگفت، دیگر برایش بی ارزش و بدون استفاده شده است. از همان جهت «حسین جاسوس» به باد زدن های

«انجنیر» صادق ظفر مفعول از طریق «شورش» که شورش و تعفنش بر آمده است؛ وقعی نگذاشت و حتا ارزش سگ دیدو وگرگی کویته را هم قایل نگشت!! مهتاب شب چهارده جاغوری «صدر» پشت صادق ظفر، رئیس بانک، چندی قبل از ترس «میرویس محمودی» یک نوشته ای «حزب کمونیست مائویست» را به رسم چاپلوسی برای «حسین جاسوس» در «شورش» به نشر سپرد و اما مورد جلب توجه «حسین جاسوس» واقع نشد؛ در حالی که همین ماچه سگ کمپیرک، «صدر» پشت صادق ظفر مفعول ، «حزب کمونیست مائویست» را یک حزب رویزیونیستی، اپورتونیستی و دشمن «مائویسم و..... خطاب می کرد و «حسین جاسوس» را با انواع توهین و دشنام جاسوس و خان و (کد خدا) و..... می نامید. به همان جهت «مائویست های افغانستان» را در رقابت و هم چشی با «حزب کمونیست مائویست» از بستر خوابش به همکاری خانم ضد افغان مگر افغانستانی و هوا خواه و طرفدار ایرانی اش از طریق انترنت «افتتاح» کرد تا به بهانه کوبیدن و افشاء نمودن «حسین و حزیش» در بدنامی کمونیسم، سوسیالیسم و مارکسیزم لیننیسم اندیشه مائوتسه دون، «جریان شعله جاوید» و افتخارات جریان شعله ئی و جنبش انقلابی ضد روسی به نفع باداران امپریالیستی، ایرانی و پاکستانی اش نقش ضد ملی، ضد انقلابی و ضد میهنی اش را انجام دهد!!!

ادامه دارد